

The Influence of Parents on Child-Rearing as Explored (In Surah Luqman, Verses 13-19: An Interpretive Perspective)

(Received: 2024-06-18 Acceptance: 2024-08-26)

Malihealsadat Seyyedreza Dolabi¹ ; Fatemeh Kasraee²

Abstract

The personality, behavioral style, insights, and belief systems of individuals are formed in their homes. Parents must embody the right principles to guide their children toward true happiness. Luqman's themes in the Quran—faith, prayer, and social teaching—provide universal raising principles. Additionally, studying different interpretations can enhance our understanding of these subjects. This research aims to clarify the concept of Surah Luqman and its educational principles by examining various interpretations. Analysis of these interpretations reveals that Lughman first instilled faith and knowledge in his children to shape their behavior. Key beliefs include Monotheism, avoiding polytheism, resurrection, prophethood, and Imamate. In terms of conduct, he emphasized honoring parents as a divine duty, expressing gratitude to them as a form of thanking Allah, and promoting virtues while preventing vices, all while avoiding arrogance. Our research findings indicate that Imamieh interpreters view the roles of parents as akin to that of Prophet Muhammad (peace be upon him) and Imam Ali (alayhi as-salam).

Keywords: Luqman, Educational principles, Faith education, Personal education, Reform society, Parties.

مطالعات قرآنی و حدیثی
فصلنامه علمی

دوره سوم

شماره اول

پیاپی: ۵

بهار و تابستان

۱۴۰۳

1. Assistant Professor, Department of Quran Sciences and Hadith, Osooldin College, Tehran, Iran (Corresponding author). dr.seyyedreza@yahoo.com

2. Department of Quran Sciences and Hadith, Lecturer of Osooldin College, Tehran, Iran.



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.



تأثیر والدین در تأدیب کودک از نگاه تفسیری فریقین (آیات ۱۳-۱۹ سوره لقمان)

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۰۵)

ملیحه السادات سیدرضا دولابی^۱
فاطمه کسرائی^۲

چکیده:

شخصیت فرد، سبک رفتاری، بینش‌ها و نظام باوری فرد در خانواده شکل می‌گیرد. خانواده نیز برای تربیت موفق، نیازمند اصولی صحیح می‌باشد تا در تأدیب فرزند به کار گیرد و او را به سعادت واقعی رهنمون گردد. قرآن کریم ارائه‌دهنده برترین روش‌های تربیتی است. به عنوان نمونه در سوره لقمان به نحوه عملکرد تربیتی او در آموزه‌های اعتقادی، عبادی و رفتاری اشاره دارد. از سویی مطالعه تطبیقی تفاسیر فریقین ذیل آیات این سوره نتایج سودمندی درغنا می‌مباحث تفسیری دارد. پژوهش حاضر درصدد است تا از رهگذر مقایسه تطبیقی تفاسیر فریقین به این پرسش پاسخ دهد که رویکرد سوره لقمان در بیان اصول تربیتی چیست تا از رهیافت پاسخ به آن به فهم معنای صحیح مبانی تربیتی دست یابد. مطالعات تفسیری فریقین حکایت از آن دارد که لقمان در فرآیند تأدیب با محوریت رعایت احترام و محبت، ابتدا به تربیت بعد معرفتی و اعتقادی فرزندش پرداخت تا زمینه ساز پرورش بعد عبادی و رفتاری او شود. هم‌ایشان در تأدیب اعتقادی فرزند به باورهایی چون توحید، ترک شرک، معاد، نبوت و امامت سفارش کرد و در بعد عبادی به اقامه نماز و شکرگزاری ولی نعمت توصیه نمود و در بعد رفتاری خدمت به والدین، تشکر از والدین به عنوان مقدمه پذیرش شکر الهی، احیای ارزش‌های

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده اصول الدین، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

dr.seyyedreza@yahoo.com

۲. مدرس علوم قرآن و حدیث دانشکده اصول الدین، تهران، ایران.



اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر و دوری از تکبر را موعظه نمود. بر پایه نتایج این پژوهش، برخی از مفسران امامیه منظور از والدین را رسول الله و امیرالمومنین تفسیر نموده‌اند.

کلیدواژه‌ها: لقمان حکیم، اصول تربیتی، تربیت اعتقادی، تأدیب فردی، اصلاح جامعه، تفسیر، فریقین.

۱- طرح مسأله

تأدیب فرزند یکی از مهمترین وظایف والدین است و تاثیر عمیقی بر شکل‌گیری شخصیت و هویت اجتماعی او دارد. کودک به عنوان ارزشمندترین هدیه الهی به خانواده داده می‌شود تا با پرورش صحیح او مقدمات نیل به تکاملش فراهم شود. از مهم‌ترین راه‌های دستیابی خانواده به اصول و روش‌های تربیتی، مذاقه در آیات قرآن کریم است. با مطالعه کلام الهی در می‌یابیم که خداوند به همه‌ی ابعاد وجودی انسان توجه کرده و راهکارهایی برای تربیت بشر تبیین نموده است تا از طریق پرورش ساحت‌های معرفتی- رفتاری انسان، او را گام به گام به تکامل نزدیک سازد. یکی از این شیوه‌ها، معرفی الگوهای تربیتی است. خداوند تبارک و تعالی با بیان سیره‌ی تربیتی رهبران دینی بهترین الگوی رسیدن به سلامت اخلاقی و ساختار عقلانی را ارائه نمود و در منابع اسلامی، بر بهره‌گیری از الگو و پیروی از اسوه‌های حسنه تاکید کرد. از جمله سیره‌های تأکید شده در کلام الهی، توجه به آموزه‌های تربیتی لقمان است که در سوره‌ای به نام او بیان شده است. همچنین نصایح و پندهای لقمان در کتب روایی ما از پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام و نیز در تفاسیر اثری اهل سنت از پیامبر صلی الله علیه و آله و صحابه روایت شده است. حال سوالی که این‌جا طرح آن ضروری به نظر می‌رسد این است که مفسرین اهل تشیع و اهل تسنن در تفسیر سوره لقمان به چه نکات مهم تربیتی اشاره دارند تا والدین با بهره‌مندی از آن، موجبات رشد و تعالی فکری و معنوی فرزند را فراهم سازند. از سویی دیگر در بین مفسرین فریقین ذیل موعظه‌های لقمان گاه اشتراک در آراء و نظرات دیده می‌شود و گاه هر طایفه دیدگاه مخصوص به خود را نقل کرده است. البته هدف مقاله شاخص نمودن اختلاف نظرات مفسرین فریقین نیست بلکه در راستای غنا بخشیدن به تفسیر و رسیدن به فهم کامل اصول تربیتی سعی بر بهره‌مندی از هر دو فرقه می‌باشد. در ذیل به بیان آموزه‌های تربیتی لقمان از دیدگاه برخی از تفاسیر شیعه مانند

مجمع البیان، المیزان، البرهان، صافی، قمی می پردازیم و از میان تفاسیر اهل سنت در کتب درالمنثور، کشاف، تفسیر طبری، تفسیر آلوسی و معانی القرآن تحقیق نمودیم تا به فهم دقیق تری از این آیات دست یابیم.

۲- پیشینه تحقیق

در موضوع تادیب کودک مقالات و نوشتارهایی موجود است که با محوریت های متفاوتی در تبیین این موضوع نگاشته شده است. برخی از تحقیقات به بررسی تربیت کودک در سوره لقمان به طور اختصاصی پرداخته است مانند «الگوی تربیت فرزند بر مبنای تحلیل و تفسیر سوره لقمان» از علی همت بناری در دو فصلنامه آموزه های تربیتی در قرآن و حدیث. نویسنده در این مقاله با هدف کشف الگوی مورد استفاده حضرت لقمان در تربیت فرزندش با استفاده از تفاسیر شیعی به تحلیل آیات سوره لقمان پرداخته است.

در اولین کنفرانس بین المللی پژوهش در علوم قرآنی نیز مقاله ای با عنوان «بازخوانی اصول روش های تربیت فرزندان در سوره لقمان» از باب اله محمدی نبی کندی مدرس دانشگاه فرهنگیان (و جمعی از همکاران) ارائه شده است. در این مقاله یکی از ارکان مهم و اساسی سعادت بشر را تربیت دانسته و تربیت را به معنای سازندگی و پرورش شخصیت انسان ها آورده است سپس به اصول روش تربیت اشاره نموده اما از منابع تفسیری کمتر بهره برده و به تفاسیر اهل سنت توجهی ننموده است.

برخی دیگر از نوشتارها به عناوین متفاوت از جمله تربیت کودک، شکرگزاری از والدین و مواردی مشابه پرداخته که در کنار سایر آیات و روایات به سوره لقمان نیز نگاهی داشته است به عنوان نمونه مقاله «معارف اسلامیة: کیفیتة خلق الإنسان» از آیه الله مشکینی که در مجله: بقیة الله به چاپ رسیده است و به موضوع خلقت انسان در وجود مادر و ضعف او و در نتیجه مقام شکرگزاری فرزند از والدین در آیات قرآن کریم از جمله سوره لقمان اشاره دارد.

با تتبع صورت گرفته، تحقیقی که به تأثیر والدین در تربیت کودک ذیل آیات ۱۳-۱۹ سوره لقمان بپردازد و بر پایه مطالعات تفاسیر فریقین باشد، انجام نگرفته است. پژوهش حاضر رویکرد جامع تری نسبت به سایر نوشتارها در این خصوص داشته است و باتوجه به بررسی نقش والدین در تربیت کودک با رویکرد مقایسه تفاسیر فریقین نو و بدیع می باشد.

با مطالعه تفاسیر فریقین ذیل آیات ۱۳-۱۹ سوره لقمان، نشان دهنده وجوه اشتراک و تمایز تفاسیر نسبت به مبانی تربیتی لقمان است. در مقاله حاضر تلاش



می‌شود با مطالعات تطبیقی تفاسیر ارائه شده از آیات سوره لقمان به بررسی آراء مفسران ذیل آیات مذکور پرداخته شود.

اولین موعظه تربیتی لقمان در آیه ۱۳ آورده شده است که به تأدیب معرفتی اشاره دارد ﴿وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ﴾ و [یاد کن] هنگامی را که لقمان به پسر خویش در حالی که وی او را اندرز می‌داد گفت ای پسرک من به خدا شرک می‌آور که به راستی شرک ستمی بزرگ است.

در آیه ۱۴ به مقام شکرگزاری از پروردگار عالم و به دنبال آن شکرگزاری از والدین پرداخته است. ﴿وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهَنَا عَلَى وَهْنٍ وَفَصَّالَهُ فِي سَبْعِينَ نَجْمًا فِي السَّمَاءِ فَلْيُقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ قَدِيمًا وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَتَدْرِكُ أَهْوَاءَهُمْ وَمَا يَكْسِبُونَ عَلَيْهِمْ مَالًا وَلَا يَكُونُونَ لِهِمْ حِسَابًا﴾ و انسان را در باره پدر و مادرش سفارش کردیم مادرش به او باردار شد سستی بر روی سستی و از شیر باز گرفتنش در دو سال است [آری به او سفارش کردیم] که شکرگزار من و پدر و مادرت باش که بازگشت [همه] به سوی من است.

آیه ۱۵ تفاوت بین اطاعت و احسان به والدین را تبیین نموده است که ﴿وَإِنْ جَاهَدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنْابَ إِلَيَّ تُمْرًا إِلَىٰ مَرْجِعِكُمْ فَأُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ و اگر تو را وادارند تا در باره چیزی که تو را بدان دانشی نیست به من شرک ورزی از آنان فرمان مبر و [الی] در دنیا به خوبی با آنان معاشرت کن و راه کسی را پیروی کن که توبه کنان به سوی من باز می‌گردد و [سرانجام] بازگشت شما به سوی من است و از [حقیقت] آنچه انجام می‌دادید شما را با خبر خواهم کرد.

در آیه ۱۶ اهمیت معاد و رسیدگی به اعمال انسان اشاره دارد. ﴿يَا بُنَيَّ إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ حَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ﴾ ای پسرک من اگر [عمل تو] هموزن دانه خردلی و در تخته سنگی یا در آسمانها یا در زمین باشد خدا آن را می‌آورد که خدا بس دقیق و آگاه است.

در آیه ۱۷ به تأدیب فردی و راهکارهای اصلاح جامعه و صبر بر انجام دستورات الهی سفارش می‌نماید. ﴿يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكُمْ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ﴾ ای پسرک من نماز را برپا دار و به کار پسندیده وادار و از کار ناپسند باز دار و بر آسیبی که بر تو وارد آمده است شکیبا باش این [حاکمی] از عزم [و اراده تو در] امور است.

در آیات ۱۸ و ۱۹ به آداب حضور در جامعه توصیه می‌شود. ﴿وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ وَأَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاعْظُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ﴾ و از مردم [به نخوت] رخ

برمتاب و در زمین خرامان راه مرو که خدا خودپسند لافزن را دوست نمی دارد و در راه رفتن خود میانه رو باش و صدایت را آهسته ساز که بدترین آوازه بانگ خران است. در ادامه مقاله مراحل تادیب فرزند در سوره لقمان مورد دقت قرار می‌گیرد و به آراء و نظرات مفسرین فریقین ذیل هر مرحله اشاره می‌شود.

۳- تادیب اعتقادی

بر پایه آیات قرآن کریم، لقمان تربیت فرزندش را با بیان مسائل اعتقادی آغاز کرد. با آن که نقش والدین، در همه ابعاد تربیت مهم می‌باشد اما در شکل‌گیری بینش‌ها و باورهای فرزند جایگاه ویژه‌ای دارد. اقدامات والدین برای بینش‌افزایی و شکل‌گیری باورها تا رسیدن به پذیرش قلبی و نمایش آن در اعمال و اخلاق فرزند بی‌بدیل می‌باشد. حال اگر سخنان والدین همراه با معرفت و حکمت باشد بر جان فرزند می‌نشیند زیرا که «حکمت، موجب فهم، معرفت و شناخت عمیق است» (ابن بابویه، ۱۳۷۶ ش/۴۸۷) تادیب ساحت اعتقادات در اصل مجموعه اقداماتی است که مربی برای شکل‌دهی نظام باورها، اقتناع فکری و پذیرش قلبی و التزام درونی متربی انجام می‌دهد. با این تعریف، «تربیت اعتقادی مفاهیمی همچون آموزش عقاید و باورمندسازی را در بر می‌گیرد و از نظر محتوای تربیتی، از تربیت عبادی و تربیت اخلاقی جدا می‌شود. با این توضیح که تربیت اعتقادی به شکل‌دهی بینش دینی و نظام باورهای متربی توجه دارد. در حالی که هدف تربیت عبادی ایجاد روحیه تعبد و اطاعت در مناسک، عبادات و اوامر و نواهی الهی است و تربیت اخلاقی به پرورش اخلاق و آداب متربی، همت می‌گمارد» (موسوی، سید نقی (۱۳۹۲ ش)؛ «تربیت اعتقادی فرزندان از منظر فقه»: مجله فقه، شماره ۷۶، ص ۴۸-۷۰) لقمان با آموزش عقاید بستر مناسبی جهت شکل‌گیری شخصیت فرزند مهیا نمود. لذا همراه با «خیرخواهی و محبت پدران به گونه‌ای که فرزند عمق عاطفه پدرش را درک کند» (سیوطی ۱۴۰۴ ق، ۱۶۶/۵) نخستین موعظه خویش را از یکتاپرستی و پرهیز از هرگونه شرک آغاز کرد و انحراف از صراط توحید و یکتاپرستی را ظلم بزرگ برشمرد. در این نصیحت دو مطلب مورد توجه قرار گرفت: نخست این که از شرک باید پرهیز کرد و خداوند را به عنوان یکتا و بی‌همتا شناخت. مطلب دوم این که شریک و همتا قرار دادن برای او ظلم بزرگ است.

۳-۱- تعلیم توحید و دوری از شرک

یکی از محورهای اساسی محتوای برنامه تربیتی لقمان آموزش توحید و ترک شرک است. لقمان درصدد بود تا با سامان بخشی اعتقادات، بستر مناسبی جهت بعد



رفتاری فرزندش مهیا سازد. لذا در «تبیین مسئله‌ی یکتاپرستی، به آموزش توحید در همه زمین‌ها و ابعاد آن پرداخت، زیرا هر حرکت تخریبی و ضد الهی از شرک سرچشمه می‌گیرد، از دنیا پرستی، مقام پرستی، هوا پرستی و مانند آن که هر کدام شاخه‌ای از شرک محسوب می‌شود» (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۸/۱۷)

در همین راستا به مسأله دوری از شرک سفارش نمود ﴿وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ﴾ (آیه ۱۳) که شرک نه تنها ظلم بشمار می‌رود بلکه از عظیم‌ترین ظلمها است «هو أعظم الظلم» (سیوطی، ۱۴۰۴ ق ۱۶۵/۵) حال این سوال مطرح است چرا شرک ظلم بزرگی است؟ در پاسخ مفسرین و جوهری را بیان کرده اند مانند آن که «هیچ چیزی بدتر و زشت‌تر از کسی نیست که مخلوق آفریده شده از خاک را، با خداوند جهانیان برابر قرار دهد و کسی را که هیچ اختیاری ندارد، با کسی برابر سازد که اختیار همه چیز در دست اوست و موجود ناقص و نیازمندی را که از همه جهت نیازمند است، با پروردگار کامل که از هر جهت بی‌نیاز است، برابر گرداند. کسی را که نمی‌تواند به اندازه یک ذره نعمتی به کسی ببخشد، با کسی برابر قرار دهد که همه نعمت‌های دینی و دنیوی و جسمی و روحی را او بخشیده، و اوست که بدی را دور می‌نماید. پس آیا بزرگ‌تر از این ستمی وجود دارد؟! و آیا ستمی بزرگ‌تر از این هست که آدمی وجود شریف خود را در خوارترین و بدترین مقام‌ها و مراحل قرار دهد، و چیزی را عبادت کند که کوچک‌ترین ارزشی ندارد؟! حال آنکه خداوند انسان را آفریده است تا او را عبادت کند. پس چنین فردی واقعاً بر خود ستم بزرگی روا داشته است.» (السعدی ۱۴۰۸ ق، ۴۱۲) زیرا «ظلم به معنای قرار دادن چیزی در غیر جای خود است پس هر کس خالق و مخلوق را یکسان و مساوی بداند و خدا و بت را برابر قرار دهد، بدون شک ابله‌ترین انسان است و از همه کس از منطبق و عقل و حکمت دورتر است و شایسته است به ظلم موصوف شود» (صابونی، ۱۴۰۶ ق، ۱/۲، ۴۰۸؛ ر.ک: سبزواری، ۱۴۱۹ ق ۴۱۷/۵؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۸ ق، ۹۶۸/۲؛ طبرسی ۱۴۱۲ ق، ج ۵ ص ۶۲؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ ق ۲۱۵/۱۶) از این رو لقمان در سفارش به فرزند فرمود: «ای فرزندم! عاقل باش و کسی را به خدا شریک مگردان، نه بشر را، نه صنم را و نه ولد را.» (صابونی، ۱۴۰۶ ق، ۵۰۱/۲)

البته منظور این نیست که فرزند لقمان مشرک بوده است و لقمان می‌خواست او را به راه راست هدایت نماید یا اینکه موحد بوده ولی خواسته تا تاکید کند او بر عقیده اش محکم و استوار بماند بلکه هدف لقمان بیان اهمیت تأدیب در بعد اعتقادی می‌باشد.

در اینجا باید به این نکته نیز توجه داشت که شرک معنی و دامنه گسترده و شاخ و برگ‌های گوناگون دارد. پند لقمان به پیروی از پیامبران علیهم السلام پرهیز شدید از هر گونه شرک است که این پرهیز سنگ زیرین ترقی و تعالی معنوی است. بنابراین شامل هر نوع شرک آشکار و شرک خفی نیز خواهد شد.

۳-۲- توجه به معاد و حساب اعمال

توحید و معاد، دو رکن اصلی اعتقادی در ادیان الهی‌اند. ایمان و اعتقاد به معاد سبب بیداری و هدفمند شدن زندگی، ترس از گناه و ظلم به دیگران، عبرت آموزی و به دست آوردن آرامش روحی و روانی و امیدوار بودن به رحمت بیکران الهی است و در مقابل بی توجهی به این امر سبب دوری از حقایق و درگیر شدن در دام گناهان، پوچی و بی هدفی و سرگردانی است. بدین روی معادباوری یکی از مؤکدترین آموزه‌های دینی است. قرآن کریم با توجه به ظرفیت‌های نظام خانوادگی برای هدایت و سعادت انسان، با اختصاص آیاتی پرمحتوا رهنمودهای کارآمدی را در این عرصه مطرح کرده است. معادباوری حس اعتماد متقابل استقامت در حل مشکلات را افزایش می‌دهد و انسان معادباور را در تامین نیازهای مشروع اعضای خانواده مسئولیت پذیر و کوشا می‌سازد. اعتقاد به معاد، در نوع جهان بینی و نگرش انسان تأثیر می‌گذارد. از آن جا که این اعتقاد در نخستین مراحل در کانون خانواده شکل می‌گیرد، والدین با تبیین معادباوری بستر ساز مسئولیت پذیری فرزند می‌شوند و سلوک وی را در این جهان استحکام می‌بخشند. زندگی را برای او معنادار می‌نمایند و از پوچ گزایی رهاش می‌سازند. در سایه باور به معاد است که عمل به تکالیف الهی برای کودک آسان می‌شود، از این روست که می‌بینیم لقمان حکیم به فرزندش سفارش می‌نماید تا به حساب اعمال در روز قیامت توجه نماید. ایشان در بیان اهمیت این روز می‌فرماید: ﴿يَا بُنَيَّ إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ﴾ (آیه ۱۶)

صاحب المیزان ذیل آیه فوق آورده است: لقمان حکیم به پسرش گوشزد می‌کند که «اگر آن خصلتی که انجام داده‌ای، چه خیر و چه شر، از خردی و کوچکی همسنگ يك دانه خردل باشد، و همان عمل خرد و کوچک در شکم صخره‌ای، و یا در هر مکانی از آسمانها و زمین باشد، خدا آن را برای حساب حاضر خواهد کرد، تا بر طبقش جزاء دهد، چون خدا لطیف است، و چیزی در اوج آسمان‌ها و جوف زمین و اعماق دریا از علم او پنهان نیست و علم او به تمامی پنهان‌ها احاطه دارد، خبیری است که از کنه موجودات با خبر است.» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ق، ۲۱۸/۱۶)



علم و قدرت مطلق الهی بر عالم هستی دلالت بر بی‌همتایی او دارد و «مطلب آیه‌ی کریمه این است که محیط بودن علم و قدرت خداوند سبحان خود يك عقیده‌ی اساسی و بنیادی در اسلام، و دلیل و حجت بزرگی بر اصل توحید است. (شفیع عثمانی ۱۳۸۷ ش ۳۷/۷) بدین روی اگر انسان عملی را در خفا انجام دهد در حقیقت در حضور خداوند انجام گرفته است و اثرش چه خوب باشد و چه بد ظاهر خواهد گشت. لذا «انسان همواره باید خدا را مد نظر داشته باشد، و او را مراقب خویش بداند، و تا جایی که می‌تواند از او فرمانبرداری نماید. خداوند در اینجا آدمی را از عمل زشت. هرچند که کم باشد. برحذر می‌دارد.» (السعدی، ۱۴۰۸ ق/۴۱۲) بدین روی «از خداوند تبارک و تعالی چیزی مخفی نیست زیرا که او به همه چیز علم دارد» (سیوطی ۱۴۰۴ ق، ۱۶۶/۵)

۴- تأدیب عبادی

لقمان پس از بینش‌افزایی و شکل‌گیری باورها و عقاید به فرآیند تأدیب عبادی پرداخت و به اقامه نماز و گرامیداشت مقام الهی سفارش نمود.

۴-۱- اقامه نماز

نماز به عنوان یکی از ارکان اساسی دین اسلام، نقش بسیار مهمی در زندگی بشریفا می‌کند و ارتباط نزدیک و مستقیم فرد با خدا به عنوان آفریننده جهان را تقویت می‌دهد و رابطه‌ای بین عبد و معبود برقرار می‌سازد. نماز بر حالات روانی و جسمی انسان تأثیر گذار است و آرامش روانی و صفای باطن فرد و پیامدهای اجتماعی را بدنبال دارد و «برترین اعمال است» (بحرانی، ۱۴۱۶ ق، ۴/۳۶۸) سفارش پدر و مادر، به نماز موجب سعادت فرزند گردیده و پایه دنیا و آخرتش را محکم می‌سازد. چنان که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «الصلاة عمود الدین» (برقی، ۱۳۷۱ ق ۱۱۷/۱) لقمان نیز به پسرش فرمود: «ای پسر! نماز را بر پادار، که در حقیقت، مَثَل آن در دین خدا، مانند ستون‌های خیمه است که هر گاه ستون پایدار باشد، ریسمان‌ها و میخ‌ها و سایه‌بان‌ها سود می‌بخشند و گرنه، میخ و ریسمان و سایه‌بان، فایده نخواهند داشت. يَا بُنَيَّ، أَقِمِ الصَّلَاةَ، فَإِنَّمَا مَثَلُهَا فِي دِينِ اللَّهِ كَمَثَلِ عُمْدٍ فُسْطَاطٍ؛ فَإِنَّ الْعَمُودَ إِذَا اسْتَقَامَ نَفَعَتِ الْأَطْنَابُ وَالْأَوْتَادُ وَالظَّلَالُ، وَإِن لَمْ يَسْتَقِم لَمْ يَنْفَعْ وَتَدُّ وَلَا ظُنْبٌ وَلَا ظِلَالٌ. (کراچکی، ۱۴۱۰ ق: ۶۶/۲؛ دیلمی ۱۴۰۸ ق/۳۲۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ۱۳/۴۳۲)

با تشویق به این فرایند عبادی مهم، والدین تأثیرات چشمگیری بر اخلاق اجتماعی، عادات روزانه و نظم زندگی فرزند ایجاد می‌کنند که منجر به تقویت

اخلاق فردی و اجتماعی، شکل دهی به عادات روزانه مثبت و ایجاد نظم و سازمان در زندگی وی می‌شود. از این رو، ترویج نماز به عنوان یک عمل مهم و حیاتی در جوامع بشری می‌تواند به تربیت افرادی با اخلاق قویتر و زندگی سالمتر کمک کند. لقمان این امر مهم و انسان ساز را با به کارگیری عبارت «یا بنی» که عمق لطف و مهربانی او را می‌رساند، بیان نموده و می‌فرماید: «يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ» «اقامه ی نماز فقط نماز خواندن نیست بلکه در مفهوم آن، رعایت کردن همه آداب و ارکان و پایبندی بر اوقات و مداومت بر آن، داخل است» (شفیع عثمانی ۱۳۸۷ش ۳۷/۷) آلوسی آورده است که لقمان به فرزندش فرمود: «هرگاه وقت نماز فرارسید به خاطر هیچ چیزی نماز را تأخیر مکن، نماز را بخوان زیرا نماز دین است و با جماعت بخوان اگرچه بر سر نیزه قرار گیری» (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ۸۹/۱)

۴-۲- شکرگزاری از خداوند

در قرآن و روایات به شکرگزاری تأکید بسیار شده است و برای ترویج و گسترش این آموزه دینی و بهره‌مندی از آثار شگرف آن در زندگی، رهبران دینی توصیه‌های فراوان نمودند و خود از جمله شکرگزاران درگاه الهی بودند. از این روست که وقتی خداوند تبارک و تعالی به بنده اش لقمان فرزاندگی و حکمت بخشید و «وقتی این منت و احسان بزرگ را به لقمان عطا نمود، به او فرمان داد تا در برابر آنچه خدا به او داده است، شکرگزار باشد تا آن نعمت را برکت دهد و از فضل خویش بر آن بیفزاید و خداوند خبر داد که شکر و سپاس سپاسگزاران به سود آدمی است و هرکس ناسپاسی کند زیان آن به خودش برمی‌گردد و خداوند به او نیازی ندارد. (السعدی، ۱۴۰۸ق، ۴۱۲) در قرآن کریم آمده است: ﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنْ شَكَرْ لِلَّهِ وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ﴾ (آیه ۱۲) بدین روی «شکرگزاری موجب تعالی فرد شکرگزار می‌شود و «هرکس نعمت‌های گران‌خدا را سپاس‌گزارد، در حقیقت به سود خویشتن حق‌شناسی و سپاسگزاری کرده است، چرا که هم پاداش حق‌شناسی خود را دریافت خواهد داشت، و هم این حق‌شناسی و سپاسش باعث فزونی نعمت‌های او می‌گردد.» (طبرسی، ۱۳۶۰ش، ۱۷۰/۱۹) برخی از مفسرین معتقدند «علم به شکرگزاری» همان «حکمتی» است که خداوند به لقمان عطا کرد تا ولی نعمت خود را بهتر بشناسد. لذا آورده‌اند: «حکمتی که به لقمان دادیم این بود که خدا را شکر بگزار چون شکر عبارت است از به کار بردن هر نعمتی در جای خودش، به طوری که نعمت، ولی نعمت را بهتر وانمود کند و به کار بردن نعمت به این نحو محتاج است به اینکه اول منعم و سپس نعمتهایش بدان جهت که نعمت اوست شناخته شود.



سپس کیفیت به کار بردن در محلش، آن طور که لطف و انعام او را بهتر وانمود کند، شناخته گردد. پس حکمت دادن به لقمان، وی را وادار کرد تا این مراحل را در شکر طی کند، و در حقیقت حکمت دادن به او مستلزم امر به شکر نیز هست» (طباطبایی ۱۳۹۰ق، ۱۶/۲۱۴) اما نحوه شکرگزاری این است که «با انجام بندگی، و به جای آوردن حقوق خدا، شکرگزار او باشد، و از نعمت هایش در مسیر ارتکاب گناهان کمک نگیرد» (السعدی، ۱۴۰۸ق/۴۱۳)

۵- تادیب رفتاری

ارائه قانون و الگوسازی روابط اجتماعی میان افراد موجب ایجاد آرامش روحی و حمایت افراد از هم و ارتقای جامعه می شود. دوری از تفکر خودمحوری و ترویج تفکر دگرخواهی مانع بروز نابسامانی ها و رونق حمایت های اجتماعی می گردد. آموزه های دینی در سامان بخشیدن به روابط و آداب اجتماعی به ارائه الگو پرداخته و برای انسجام اجتماع و آرامش روحی افراد و حمایت های لازم و گسترش فضایل اخلاقی و رفتارهای هنجار اجتماعی، وظایفی را برای ارتباط برای انسان ها برشمرده است که به کارگیری آن و توجه به فراگیری اجرای این دستورات در سامان بخشیدن به روابط اجتماعی موثر است. از این روست که لقمان در تادیب رفتاری فرزند به امور زیر توصیه نموده است.

۵-۱- توجه به جایگاه والدین

در آیات الهی احترام به والدین بعد از مساله ی توحید قرار گرفته است. از آنجا که اصل وجود هر انسانی از پدر و مادر است، می توان گفت درمیان پیوندهای خویشاوندی، هیچ کس به اندازه پدر و مادر به انسان نزدیک نیست. لذا قرآن کریم وصیت بسیار مهمی دیگری را بیان می دارد و آن بَرّ و نیکوکاری نسبت به والدین می باشد «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَىٰ وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ...» (آیه ۱۴) «کلمه وصیت و سفارش الهی اشعار دارد که مورد سفارش، مصلحت و تقرب به حق دارد» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۴/۷۴۴) از این رو قرآن در ادامه موعظه خویش به شکرگزاری از پروردگار هستی و والدین به صورت توأمان اشاره می نماید که «... أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَى الْمَصِيرِ» در روایت آمده: «خداوند متعال به سپاسگزاری از خود و پدر و مادر فرمان داده است، پس کسی که از پدر و مادرش سپاسگزاری نکند، خدا را شکر نکرده است. (محمدی ری شهری، ۱۳۸۹ ش، ۱۰/ ۷۰۹) صاحب المیزان آورده: «این آیه، جمله معترضه ای است که در وسط کلمات لقمان قرار گرفته است و از کلمات او نیست و اگر در اینجا واقع شده، برای این

است که دلالت کند بر وجوب شکر والدین، مانند شکر خدا، بلکه شکر والدین، شکر خدا است، چون منتهی به سفارش و امر خدای تعالی است، پس شکر پدر و مادر عبادت خدا و شکر اوست.» (طباطبایی ۱۳۹۰ق، ۱۶/۳۲۳) از این روست که خدای تعالی در قرآن کریمش در چند جا احسان به پدر و مادر را تالی توحید و ترک شرك دانسته و هر جا به آن امر کرده قبلاً به توحید و ترک شرك امر کرده است. طبرسی آورده است: «منظور از سپاسگزاری از خدا، فرمانبرداری از اوست، و سپاس از پدر و مادر نیز نیکی و خوش رفتاری با آنان و رعایت حرمت و حقوق آنان است» (طبرسی، ۱۳۶۰ش، ۲۱/۲۶)

سپس در ادامه یکی از علت های شکرگزاری را تحمل پاره ای از مشقات و اذیت های مادر در حمل و شیردهی فرزند ذکر می کند تا شنونده را به شکر پدر و مادر و بخصوص مادر وا بدارد و می فرماید: «... حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَمِيْنٍ...» (البته «حملی که همراه با تضعیف بدن مادر است» (سیوطی ۱۴۰۴ق، ۵/۱۶۶) از سویی دیگر «خداوند نعمت خلق موجودی و بقای او را به مادر عطا نمود بدین روی مادر با شیر دادن به طفل سبب بقای او گردید لذا پروردگار عالم به انسان دستور داد تا به مادر خویش خدمت کند و خدمت به مادر را همانند عبادت خود بر فرد واجب نمود» (فخر رازی ۱۴۲۰ق، ۲۵/۱۲۰) حال «مادری که این همه سختی را برای فرزندش تحمل نموده، در حالی که به شدت او را دوست می دارد، نباید به فرزندش تاکید و سفارش شود که کاملاً با او نیکی کند؟!» (السعدی، ۱۴۰۸ق/۴۱۲) قطعاً فرزندان که عامل به فرامین الهی هستند قابل احترام می شوند. در روایت وارد شده «پیامبر را دیدند که از خواهر رضاعی خود بیش از برادر رضاعی اش احترام می گیرد، دلیل آن را پرسیدند، حضرت فرمود: چون این خواهر بیشتر به والدینش احترام می گذارد» (الکافی، ج ۲، ص ۱۶۱) از این روست که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به رعایت جایگاه پدر و مادر سفارش می نماید و می فرماید: بعد از نماز اوّل وقت، کاری بهتر از احترام به والدین نیست (محمدی ری شهری، ، ۱۳۸۹، ص ۷۱۰) توصیه لقمان نیز امر به شکر پدر و مادر بود، هم چنان که امر به شکر خدا نیز نمود و «جمله «إِلَى الْمَصِيْرِ» تفسیر «وصینا» در ابتدای آیه می باشد معنایش این است که وصیت ما همانا امر به شکر پدر و مادر بود، همچنان که امر به شکر خدا نیز کردیم و «الی المصیر» دلالت بر انذار و تأکید امر به شکر است» (طباطبایی ۱۳۹۰ق، ۱۶/۲۱۷) سپس می فرماید قطعاً شکرگزاری انسان به نفع خود اوست، پس شکرگزار باشید. «وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ»

حال این سوال مطرح است که دیدگاه مفسرین فریقین در باره کیستی والدین



چیست. در منابع اهل سنت و برخی از منابع اهل تشیع آیه شکرگزاری از والدین را که در میان دو آیه از «وصینا الانسان» تا «تعلمون» آمده به صورت جمله‌ی معترضه بیان می‌کند که بعد از تأکید بر نهی از شرك است که خداوند سبحان، انسان‌ها را به شکر و سپاسگزاری از خود و نیکی به والدین توصیه می‌کند (ر.ک: از مولوی محمود عبدی بر اساس سایت رسمی حوزه علمیه انوار العلوم خیر آباد) بدین روی خداوند تبارک و تعالی وجوب شکر والدین را مانند شکر خود می‌آورد و «وصیت خداوند امر به شکر پدر و مادر است. هم چنان که امر به شکر خدا است» (طباطبایی ۱۳۹۰ق، ۱۶/۲۱۶) اما در برخی از منابع تفاسیری و روایی اهل تشیع منظور از والدین معنایی گسترده تری دارد و آورده اند که این آیه در باره رسول الله صلی الله علیه و آله و امیرامومنین علیه اسلام نازل گردیده است. (سیدرضی، ۱۴۰۶ق/۷۰؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق، ۳۷۱/۴؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶ق، ۳/۱۰۵) و در بیان ادله تبیین مذکور به حدیث نبوی «أنا و علي أبوا هذه الأمة» اشاره شده است (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق/۳/۵۲) در این صورت لقمان فرزندش را به اصول اعتقادات؛ توحید و دوری از شرك و پیروی از انبیاء و اولیاء سفارش نموده و اطاعت از آن‌ها را مطابق با اطاعت پروردگار قرار داده است.

۵-۲- عدم اطاعت از والدین در انحراف از توحید

یکی از مسائلی که در آموزه‌های دینی بسیار به آن موعظه شده است، احسان به والدین است. احسان به پدر و مادر متفاوت از اطاعت آن‌ها می‌باشد. اطاعت بر سه نوع است؛ اطاعت مطلق که نسبت به خداوند، پیامبر و اولی الامر صحیح است. چنان چه در قرآن کریم می‌فرماید: «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء/۵۹) و اطاعت مشروط نسبت به والدین یعنی اگر دستورات مفید یا مباح دادند، لازم است پیروی کنیم، اما اگر تلاش کردند فرزند را به غیر خدا فراخوانند نباید اطاعت کرد و در سومین مرتبه اگر والدین از کافران بودند به هیچ روی نباید از آن‌ها اطاعت نمود در قرآن کریم در باره عدم اطاعت از کافران و منافقان آمده است: «وَلَا تَطِيعُوا الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ» (احزاب/۱) از امام سجاد علیه السلام در رساله حقوق آمده است: «لَا طَاعَةَ لِمَخْلُوقٍ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ» (ابن بابویه، ۱۳۶۹ش، ۶۲۱/۲) در معصیت خالق از هیچ مخلوقی نباید اطاعت کرد.

بنابراین با آنکه خداوند مقام والای پدر و مادر را یادآور شد اما اگر آنان خواستند تو را به سمت شرك سوق دهند اطاعت مکن «وَأِنْ جَاهَدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبَهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (۱۵) و اگر پدر و مادر تو را بر شرك

به خدا که آن را به حق نمی‌دانی و اداری کنند در این صورت دیگر آنها را اطاعت مکن و لیک در دنیا با آنها به حسن خلق مصاحبت کن و از راه آن کس که به درگاه من رجوع و انابه‌اش بسیار است پیروی کن، که (پس از مرگ) رجوع شما به سوی من است و من شما را به پاداش اعمالتان آگه خواهم ساخت.

در تفسیر مجمع البیان آمده است: «این تعبیر در آیه که آنچه را بدان دانش و آگاهی نداری، آن را به خدایی بگیر و با پرستش آن به خدای یکتا شریک موزر، بیانگر این نکته است که جز خدای یگانه، هرگز خدایی نیست چرا که اگر بود نشانه‌های وجود و قدرت و دعوت او را می‌دیدیم و چون دلیل و نشانی از آن نیست پس وجود ندارد و آفریدگار و گرداننده جهان همان خدای یکتاست. بنابراین اگر پدر و مادر بر آن شدند که تو را به شریک و بیداد بکشاند دیگر از آنان فرمان مبر» (طبرسی، ۱۳۶۰ش، ۲۱/۲۵)

زمخشری آورده است: «چیزی را که چیزی نیست شریک من مگیر» (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ۳/۴۹۴) ولی بعضی دیگر از مفسرین گفته‌اند «کلمه» تشرک» در این آیه به معنای «تکفر» و کلمه «ما» به معنای «الذی» گرفته‌اند، و معنای آیه این است که هر چه پدر و مادر به تو اصرار کردند که به من کفر بورزی، کفری که هیچ دلیل و حجتی بر آن نداشته باشی، اطاعتشان مکن» (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ۱۱/۸۷) طبری در تفسیر «وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنْابَ إِلَيَّ» آورده است: «راه کسانی که از شرک توبه کرده‌اند پیش گیر و به اسلام رجوع کن و از آئین محمد صلی الله علیه و آله پیروی کن» (طبری، ۱۳۵۶ق، ۱۸/۵۵۳)

بنابراین فرزند نباید «گمان کند که اطاعت از والدین، از زمره احسان و نیکوکاری با آنهاست. چون حق خدا بر حق هر کسی مقدم است و نباید از مخلوق در کاری که نافرمانی خالق محسوب می‌گردد، اطاعت شود و در این آیه نفرمود: چنانچه سعی کردند که چیزی را تو شریک من گردانی که علم و دانشی به آن نداری، آنان را طرد کن بلکه فرمود: «لَا تُطْعِمُهُمْ» از آنان در امر شریک قرار دادن پیروی مکن اما نیکی کردن با آنان باید ادامه یابد.» (السعدی، ۱۴۰۸ق/۴۱۲)

۵-۳- امر به معروف و نهی از منکر

لقمان حکیم با کاربست راه‌کارهایی متناسب با ضرورت‌های اجتماعی به ایفای نقش رهبرانه خویش ادامه داد و در سفارش به فرزند برای اصلاح جامعه بیش از هر چیز فعالیت‌های فرهنگی - تربیتی را مهم دید و در راستای اصلاح ساختار جامعه به تصحیح رفتار مردم و روابط میان آنها توصیه نمود تا با اصلاح ساختارها، مفاسد فردی و اجتماعی از جامعه رفع گردد. لذا در برون رفت از چالش‌های جامعه، به



اهمیت نقش مردم در این راستا اشاره نمود تا با توجه به مباحث فرهنگی - اجتماعی و پرورش فکر و اندیشه بشر او را از مسیر تباهی و انحراف دور دارد. بدین روی در راستای اصلاح رفتار به امر و منع رفتاری در معروف و منکر اشاره نمود تا عملکردها و نگرش‌های غلط را تصحیح و عملکردها و نگرش‌های صحیح را پایدارتر و نسبت به رفتارسازی اثربخش‌تر نماید. امر به معروف، نشانه‌ی علاقه به سلامتی جامعه، ایجاد ارتباط دوستانه بین مردم، نظارت عمومی و حضور در صحنه است و سبب تشویق نیکوکاران، آگاه کردن افراد جاهل، هشدار برای جلوگیری از خلاف و ایجاد نوعی انضباط اجتماعی است. قرآن می‌فرماید: شما مسلمانان بهترین امت هستید، زیرا امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید. (آل عمران/۱۱۰) از آن جا که «امر به معروف و نهی از منکر، مصلحت عامه است» (سیدرضی، ۱۳۸۸ش، حکمت ۲۵۲) اگر «کسی که جلوی منکر را نگیرد، مانند کسی است که مجروحی را در جاده رها کند تا بمیرد» (متقی هندی، ۱۴۳۱ق، ۳/ ص ۱۷۰)

اقل هر امر به معروف و نهی از منکری این هست که به سبب آن همیشه معروف در جامعه معروف و منکر، به صورت منکر باقی می‌ماند. بدین روی لقمان، فرزندش را به معروف امر و از منکر باز می‌دارد «یا بنی... وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ...» سیوطی در روایتی امر به معروف را امر به توحید و نهی از منکر را نهی از شرک برمی‌شمارد (سیوطی ۱۴۰۴ق، ۵/ ۱۶۶) طبری نیز امر به معروف را امر به طاعت الهی و تبعیت از او امر او می‌داند و نهی از منکر را به معنای نهی از معصیت الهی می‌داند. (طبری، ۱۳۵۶ق، ۱۸/ ۵۵۸) «و از آنجا که هرگاه کسی امر به معروف و نهی از منکر کند، حتماً در مواجهه با مردم به مشکلاتی گرفتار خواهد شد، و امر و نهی بر انسان‌ها دشوار می‌آید. او را فرمان داد تا بر این امر شکیبایی ورزد» (السعدی، ۱۴۰۸ق/ ۴۱۳) «وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» پس «هرگاه در این راه شدت و اذیتی به تو رسید بر آن صبر کن که این همان «عزم الامور» است (بحرانی، ۱۴۱۶ق، ۴/ ۳۷۴؛ طبرسی، ۱۳۶۰ش، ۱۹/ ۱۸۳؛ شفیع عثمانی ۱۳۸۷ش ۷/ ۳۸) و «منظور از اموری که خداوند به آن عزم کرد، یعنی آن چه که خداوند بر انجام آن فرمان داد» (ر.ک: سیوطی ۱۴۰۴ق ۵/ ۱۶۶)

۵-۴- دوری از تکبر

یکی از آسیب‌های جدی حوزه اخلاق و رفتار «کبر» است که روابط اجتماعی انسان را دچار مشکل می‌نماید. بحث برتری جویی و نقش برجسته‌ی آن در نظام اخلاقی همواره مورد دقت علمای اخلاق بوده است. یکی از مهم‌ترین آداب معاشرت و همزیستی، دوری از تکبر و بی‌اعتنایی از مردم است. لقمان حکیم در توصیه به

فرزندش برای دوری از کبر می فرماید: «وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ» راغب گفته کلمه «صعر» به معنای کج بودن گردن، و کلمه «تصعیر» به معنای گرداندن گردن از نظرها از روی تکبر است، کلمه «مرح» نیز به معنای شدت خوشحالی، و زیاده روی در آن است. بنابراین معنا چنین می شود که روی خود از در تکبر از مردم بر مگردان، و نیز در زمین چون «آنان که بسیار خوشحالند راه مرو» (قمی، ۱۳۶۷، ش، ۱۶۵/۲) «که خدا دوست نمی دارد کسانی را که دستخوش خیلاء و کبرند، و اگر کبر را خیلاء خوانده اند، بدین جهت است که آدم متکبر خود را بزرگ خیال می کند و چون فضیلت برای خود خیال می کند، زیاد فخر می فروشد» (طباطبایی ۱۳۹۰، ق، ۲۱۹/۱۶)

پس هنگام ملاقات و گفتگو با مردم برگرداندن چهره علامت بی اعتنائی و تکبر است و خلاف اخلاق شریفانه می باشد و هنگام گفتگو باید متوجه شخص مخاطب شد و گفته های او را با دقت شنید و «پیامد تکبر، تحقیر بندگان خداست» (ر.ک: طبرسی، ۱۳۶۰، ش، ۵۰۰/۸؛ سیوطی ۱۴۰۴، ق، ۱۶۶/۵)

دیگر نشانه تکبر مغرورانه راه رفتن است لقمان به فرزندش در رعایت آداب اجتماعی سفارش می کند که مغرورانه بر زمین راه مرو، چرا که خداوند هیچ متکبر مغروری را دوست نمی دارد. از این روست که «هر کس با تکبر در زمین راه رود، زمین و هر موجودی که زیر آن و روی آن است، او را لعنت می کنند». (العروسی الحویزی، ۱۴۱۵، ق، ۲۰۷/۴)

همچنین متذکر می شود سخن گفتن با فریاد نیز بدور از آداب اجتماعی می باشد پس از صدای خود بکاه (و فریاد مزین) بدرستی که زشت ترین صداها، صدای خران است. آلوسی ذیل این آیه آورده است: «خداوند سبحان از این آیه ی کریمه، دیدگاه مشرکین را رد نمود که بلندآوازی را برای خودشان یک افتخار می دانستند با این وجود که این چیز باعث اذیت شنونده می گردید. خداوند متعال فرمود: که مثال مشرکین در بلندی آواز، مثل الاغ است و صدایشان در زشتی و شدت و دمیدن هم مانند عرعر الاغ است. (آلوسی، ۱۴۱۵، ق، ۹۲/۱۱) «خلاصه این که چهارچیز در آداب معاشرت و همزیستی ذکر شده است ۱. ممانعت از تکبر و غرور در وقت گفتگو و ملاقات با مردم ۲. ممانعت از راه رفتن با ناز و خرام ۳. هدایت به سوی میانه روی در راه رفتن ۴. ممانعت از گفتگو با شور و غوغا» (شفیع عثمانی ۱۳۸۷، ش ۴۰/۷)

۵-۵- رعایت تواضع در روابط اجتماعی

حضور در جامعه زمینه رسیدن به صفات اخلاقی را مهیا می سازد و بین کنش های اجتماعی از یک سو، و معرفت ها و ملکات اخلاقی از سوی دیگر، تعامل برقرار می کند.



بدین روی عوامل اجتماعی در تکوین شخصیت اخلاقی مهم است و موجب ایجاد و رشد صفات حسنه در فرد می‌گردد. از این روست که لقمان در سیر تربیت اجتماعی فرزندش را به حضور در جامعه با رعایت نکات اخلاقی دعوت می‌کند که «وَأَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاعْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ» (آیه ۱۹) «در راه رفتنت تواضع داشته باش، عجله نداشته باش، و از روی تکبر راه مرو و اعتدال داشته باش» (طبری، ۱۳۵۶ق، ۵۶۳/۱۸) کلمه «قصد» در هر چیز به معنای اعتدال در آن است و کلمه «عض» به طوری که راغب گفته به معنای نقصان در نگاه کردن و صدا کردن است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ۳۲۷/۱۶) بدین روی حرکات خود را با اعتدال همراه ساز که اولین نشانه‌ی بندگان خوب خدا، حرکت متواضعانه‌ی آنهاست. «وَ عِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا» (فرقان/۶۳) سیوطی نیز در روایتی و «أَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ» را به معنای تواضع تفسیر است. (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ۱۶۷/۵) بنابراین «کسی که چنین توصیه‌هایی را نموده است، حتماً دارای حکمت و فرزندی بسیار می‌باشد. همچنان که یکی از منت و نیکی‌های خداوند بر لقمان و سایر بندگان، این است که چیزهایی از حکمت لقمان را برای آنها حکایت کرده است تا الگوی نیکی برای آنان باشد.» (السعدی، ۱۴۰۸ق/۴۱۳)

۶- نتایج مقاله

تأدیب افراد در یک جامعه از ضرورت‌های زندگی اجتماعی است. در اسلام به تربیت و هدایت انسان اهمیت بسزایی داده شده و دستورالعمل‌ها و الگوهای معرفی شده است. به عنوان نمونه در سوره لقمان به مواعظ هدایتی لقمان در تأدیب فرزندش اشاره شده است. مفسرین نیز در تفسیر آیات فوق به بیان نظرات و دیدگاه‌های خود در تربیت کودک اشاره کرده اند. دستاوردهای پژوهش را می‌توان در چند بند زیر خلاصه نمود:

۱- لقمان سه حوزه اعتقادی، عبادی و رفتاری را از مهم‌ترین بسترهای تربیت فرزند دانست.

۲- لقمان تأدیب فرزند را از تربیت اعتقادی آغاز نمود. در تأدیب اعتقادی و شکلدهی نظام باورها و اقناع فکری فرزند، به مساله توحید و دوری از شرک و معاد توجه ویژه نمود. مفسرین فریقین ذیل آیه ۱۳ سوره لقمان به تفسیر توحید پرداخته و شرک را از آن جهت عظیم‌ترین ظلم‌ها تفسیر نمودند که انسان مشرک گویا مخلوق را مساوی خالق قرار می‌دهد. سپس ذیل آیه ۱۶ به تفسیر حسابرسی الهی از اعمال خیر و شر اشاره دارند تا با تبیین معادباوری بسترساز مسئولیت‌پذیری فرزند شوند و سلوک وی را در این جهان استحکام بخشند. مفسرین فریقین ذکر

صفت «لطیف» را به احاطه علم و قدرت الهی بر تمامی موجودات تفسیر نمودند تا انسان را به فرمانبرداری مطلق از خداوند رهنمود باشند.

۳- لقمان پس از محکم نمودن ریشه‌های اعتقادی، در راستای برقراری ارتباط بین بشر با پروردگار خود به تأدیب عبادی فرزند پرداخت. هم ایشان در راستای توجه به خالق به اقامه نماز و وظیفه حق‌شناسی و شکرگزاری از منعم سفارش کرد. در این باره دو دیدگاه بین مفسرین دیده شد اول آن که شکرگزاری موجب شناخت منعم و در نهایت تعالی فرد شکرگزار می‌شود و دوم علم به شکرگزاری همان حکمتی است که خداوند به لقمان عطا نمود.

۴- سومین ساحتی که لقمان به آن توصیه نمود تأدیب در رفتار است و در این زمینه، به وظیفه شکرگزاری از والدین، ساختار شناسی جامعه، دوری از تکبر و مزین شدن به تواضع را سفارش نمود. از نظر مفسرین فریقین شکر پدر و مادر بدین جهت در ادامه توصیه به شکر الهی آمده که شکرگزاری از والدین در حقیقت عبادت خدا و شکر اوست. برخی از مفسرین در تبیین شکرگزاری آورده اند که منظور از سپاسگزاری از خدا همان فرمانبرداری از او و منظور از سپاس از پدر و مادر نیکی و خوش رفتاری و رعایت حرمت و حقوق آنان است. حتی خداوند خدمت به مادر را همانند عبادت خود بر بشر واجب نمود. از این روست که برخی از مفسرین احسان به پدر و مادر را تالی توحید و ترك شرك آورده اند.

۵- در این که منظور از والدین چه افرادی هستند غالب تفاسیر شیعه و سنی والدین را همان پدر و مادر تفسیر نموده اند اما در برخی از تفاسیر اثری و روایی اهل تشیع منظور از والدین معنایی گسترده تری می‌یابد و منظور رسول الله صلی الله علیه و آله و امیرالمومنین علیه اسلام می‌باشد.

۶- در راستای تأدیب رفتاری لقمان توصیه به رعایت امر به معروف و نهی از منکر می‌کند که از دیدگاه مفسرین فریقین امر به معروف امر به توحید و نهی از منکر را نهی از شرک برمی‌شمارد برخی دیگر نیز امر به معروف را امر به طاعت الهی و تبعیت از او امر او می‌داند و نهی از منکر را به معنای نهی از معصیت الهی تفسیر نموده اند.

۷- دوری از تکبر در برخورد با مردم، رعایت تواضع نیز ادامه مواضع لقمان به فرزند می‌باشد در روابط اجتماعی بیان شده است نیز از توصیه‌های لقمان به فرزندش می‌باشد که تفاسیر فریقین بر این موضوع اتحاد نظر داشته اند.



منابع

۱. قرآن مجید؛ ترجمه آیة الله ناصر مکارم شیرازی
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۹ ش)، «من لا یحضره الفقیه»، مترجم: علی اکبر غفاری، تهران، نشر صدوق، چاپ اول
۳. -----، (۱۳۷۶ ش): «الأمالی» مترجم: محمد باقر کمره ای، تهران، ناشر: کتابچی، چاپ ششم
۴. -----، (۱۴۰۳ ق): «معانی الأخبار»، محقق: علی اکبر غفاری، قم، ناشر: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ سوم.
۵. ابن شهر آشوب، محمد علی (۱۳۷۶ ق): «مناقب آل أبی طالب»، قم، المکتبه الحیدریه، چاپ دوم.
۶. آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۱۵ ق): «روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی» بیروت، دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، چاپ دوم.
۷. بحرانی، سید هاشم (۱۴۱۶ ق): «البرهان فی تفسیر القرآن»، تهران، ناشر: بنیاد بعثت، چاپ ششم.
۸. برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱ ق): «المحاسن»، محقق جلال الدین محدث، قم، ناشر: دار الکتب الإسلامیة، چاپ: دوم.
۹. دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۰۸ ق): «أعلام الدین فی صفات المؤمنین»، محقق مؤسسة آل البيت علیهم السلام، قم، ناشر: مؤسسة آل البيت علیهم السلام، چاپ چهارم.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۴ ش): «مفردات الفاظ القرآن»، مترجم غلامرضا خسروی، تهران، ناشر: مرتضوی، چاپ دوم.
۱۱. زمخشری، محمود (۱۴۰۷ ق): «الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل»، بیروت، ناشر: دار الکتب العربی، چاپ سوم.
۱۲. سبزواری، محمد (۱۴۱۹ ق): «ارشاد الذهان الی تفسیر القرآن»، بیروت، ناشر: دار التعارف للمطبوعات.
۱۳. السعدی، عبد الرحمن بن ناصر (۱۴۰۸ ق): «تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان»، بیروت، چاپ دوم.
۱۴. سید رضی، محمد بن حسین (۱۳۸۸ ش): «نهج البلاغه»، مترجم حسین انصاریان، قم، ناشر: دار العرفان. چاپ اول
۱۵. -----، (۱۴۰۶ ق): «خصائص الأئمة علیهم السلام»، محقق محمد هادی امینی، مشهد، ناشر: آستان قدس رضوی، چاپ سوم.
۱۶. سیوطی، جلال الدین (۱۴۰۴ ق): «الدر المنثور فی تفسیر المأثور»، قم، ناشر: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، چاپ دوم.
۱۷. شفیع عثمانی، محمد (۱۳۸۷ ش): «معارف القرآن»، مترجم محمد یوسف حسین پور، ناشر: مکتبه البشری، چاپ پنجم.
۱۸. صابونی، محمد علی (۱۴۰۶ ق): «صفوه التفاسیر» جدة، مکتبه جده، چاپ پنجم.
۱۹. طباطبائی، محمد حسین (۱۳۹۰ ق): «المیزان فی تفسیر القرآن»، بیروت، مؤسسة العلمی للمطبوعات، چاپ دوم.
۲۰. طبری، محمد بن جریر (۱۳۵۶ ش): «جامع البیان فی تفسیر القرآن»، تحقیق: حبیب یغمایی، تهران، ناشر: انتشارات توس، چاپ دوم.
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۰ ش): «مجمع البیان فی تفسیر القرآن»، تهران، ناشر: انتشارات فراهانی، چاپ پنجم.
۲۲. عربسی حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵ ق): «تفسیر نور الثقلین»، مترجم سیدهاشم رسولی محلاتی، قم، انتشارات اسماعیلیان، چاپ چهارم.

۲۳. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق): «مفاتیح الغیب»، بیروت، دار احیاء التراث العربی،
۲۴. فراء یحیی بن زیاد، (بی تا): «معانی القرآن»، تحقیق: احمد یوسف نجاتی، محمد علی نجار، عبدالفتاح اسماعیل شلبی، مصر، ناشر: دارالمصریه للتألیف و الترجمة، چاپ سوم.
۲۵. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی (۱۴۱۵ ق): «تفسیر الصافی»، محقق حسین اعلمی، تهران، ناشر: مکتبه الصدر، چاپ دوم.
۲۶. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۷ ش): «تفسیر القمی»، تحقیق سید طیب موسوی جزایری، قم، ناشر: دار الکتب، چاپ: چهارم.
۲۷. کراچکی، محمد بن علی (۱۴۱۰ ق): «کنز الفوائد»، محقق: نعمه، عبد الله، قم، ناشر: دارالذخائر، چاپ سوم.
۲۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق): «الکافی»، محقق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، ناشر: دار الکتب الإسلامیة، چاپ پنجم.
۲۹. متقی هندی، علی بن حسام الدین (۱۴۳۱ ق): «کنز العمال فی سنن و الاقوال» بیروت، ناشر: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.
۳۰. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ ق): «بحار الأنوار الجامعه لدرر اخبار ائمه الاطهار علیهم السلام» بیروت، ناشر: دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم.
۳۱. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۹ ش): «میزان الحکمه»، مترجم حمید رضا شیخی، قم، ناشر: مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث. چاپ دوم.
۳۲. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ ش): «تفسیر نمونه»، تهران، ناشر: دار الکتب الإسلامیة، چاپ اول
۳۳. موسوی، سید نقی (۱۳۹۲ ش): «مقاله تربیت اعتقادی فرزندان از منظر فقه»، مجله فقه، شماره ۷۶
۳۴. مولوی محمود عبدی بر اساس سایت رسمی حوزه علمیه انوار العلوم خیر آباد.

References

* The Holy Quran; Translated by Ayatollah Nasser Makarem Shirazi

1. Ibn Babawayh, Muhammad ibn Ali (1369 AH), "Whoever is not attended by the jurist", Translator: Ali Akbar Ghaffari, Tehran, Sadooq Publishing House, First Edition
2. -----, (1376 AH): "Al-Amali", Translator: Muhammad Baqir Kamra-i, Tehran, Publisher: Kitabchi, Sixth Edition
3. -----, (1403 AH): "Ma'ani Al-Akhbar", Researcher: Ali Akbar Ghaffari, Qom, Publisher: Islamic Publications Office affiliated with the Teachers' Association of the Qom Seminary, Third Edition.
4. Ibn Shahrashob, Muhammad Ali (1376 AH): "Manaqib Al-Ali Abi Talib", Qom, Al-Muktabah Al-Haidariyyah, Second Edition.
5. Alusi, Mahmoud ibn Abdullah (1415 AH): "Ruh Al-Ma'ani Fi Tafsir Al-Quran Al-Azim Wa Al-Saba Al-Muthani" Beirut, Daral Al-Kutb Al-Ilmiyah, Publications of Muhammad Ali Baydoon, Second Edition.
6. Bahrani, Seyyed Hashem (1416 AH): "Al-Burhan fi Tafsir al-Qur'an", Tehran, Publisher: Ba'ath Foundation, 6th edition.
7. Barqi, Ahmad bin Muhammad bin Khalid (1371 AH): "Al-Mahasen", scholar of Jalal al-Din Muhaddith, Qom, publisher: Dar al-Kutub al-Islamiyya, second edition.
8. Dailami, Hassan bin Muhammad (1408 AH): "Aalam al-Din fi Sifat al-Mu'minin", researcher of Al-Bayt Foundation, peace be upon them, Qom, publisher: Al-Bayt Foundation, peace be upon them, 4th edition.
9. Ragheb Esfahani, Hossein bin Mohammad (1374): "Vocabulary of the words of the Qur'an", translated by Gholamreza Khosravi, Tehran, publisher: Mortazavi, second edition.
10. Zamakhshari, Mahmoud (1407 AH): "Al-Kashaf on the facts of Ghawamaz al-Tanzir", Beirut, publisher: Dar al-Kitab al-Arabi, third edition.
11. Sabzevari, Muhammad (1419 A.H.): "Arshad Al-Zhan to Tafsir al-Qur'an", Beirut, Publisher: Dar Taqqin Lal-Mahbatat.
12. Al-Saadi, Abd al-Rahman bin Nasser (1408 AH): "Tasir Al-Karim al-Rahman fi Tafsir Kalam Al-Manan", Beirut, second edition.
13. Seyyed Razi, Muhammad bin Hossein (1388): "Nahj al-Balaghah", translated by Hossein Ansarian, Qom, publisher: Dar al-Irfan. First edition
14. -----, (1406 AH): "Characteristics of the Imams, peace be upon them", researcher Mohammad Hadi Amini, Mashhad, publisher: Astan Quds Razavi, third edition.
15. Siyuti, Jalal al-Din (1404 A.H.): "Al-Dar al-Munthor fi Tafsir al-Mathur", Qom, publisher: Ayatollah Murashi Najafi Library, second edition.
16. Shafi Osmani, Muhammad (1387): "Maa'rif al-Qur'an", translated by Muhammad Youssef Hosseinpour, publisher: Maktabah al-Bishri, fifth edition.
17. Sabuni, Muhammad Ali (1406 AH): "Safwa al-Tafsir" Jeddah, Maktaba Jeddah, fifth edition.
18. Tabatabayi, Muhammad Hussein (1390 AH) "Al-Mizan fi Tafsir al-Quran", Beirut, Al-Alami Publishing House, second edition.
19. Tabari, Muhammad bin Jarir (1356 AH): "Jami' al-Bayan fi Tafsir al-Quran", researched by Habib Yaghma'i, Tehran, publisher: Tous Publications, second edition.
20. Tabarsi, Fadl bin Hassan (1360 AH): "Jami' al-Bayan fi Tafsir al-Quran", Tehran, publisher: Farahani Publications, fifth edition.
21. Arousi Huwaizi, Abdul Ali bin Juma' (1415 AH): "Tafsir al-Nur al-Thaqalayn", translated by Sayyid Hashim Rasuli Mahallati, Qom, Ismailian Publications, fourth edition.

22. Fakhr Razi, Muhammad bin Omar (1420 AH): "Mufatih al-Ghaib", Beirut, Dar Ihyaya Al-Trath Al-Arabi,
23. Fara Yahya bin Ziyad, (B.T.A.): "The Meanings of the Qur'an", research: Ahmad Yusuf Nejadi, Muhammad Ali Najjar, Abdul Fattah Ismail Shalabi, Egypt, Publisher: Dar al-Masriyyah for Compilation and Translation, third edition.
24. Faiz Kashani, Mohammad Mohsen bin Shah Mortaza (1415 AH): "Tafsir Al-Safi", Mohaghegh Hossein Alami, Tehran, Publisher: Al-Sadr Library, second edition.
25. Qommi, Ali bin Ibrahim (1367): "Tafsir al-Qummi", research by Seyyed Tayyeb Mousavi Jazairi, Qom, publisher: Dar al-Kitab, edition: 4th.
26. Karajki, Muhammad bin Ali (1410 A.H.): "Treasure of benefits", researcher: Neema, Abdullah, Qom, publisher: Dar al-Zhakhir, third edition.
27. Kalini, Mohammad bin Yaqoob (1407 AH): "Al-Kafi", researcher: Ali Akbar Ghafari and Mohammad Akhundi, Tehran, publisher: Dar al-Kutub al-Islamiyya, fifth edition.
28. Motaqi Hendi, Ali bin Hussam al-Din (1431 A.H.): "Kanzal-Amal fi Sunan wa Al-Aqwal" Beirut, Publisher: Dar Ahya Al-Tarath Al-Arabi, first edition.
29. Majlesi, Muhammad Baqir bin Muhammad Taqi (1403 AH): "Bihar al-Anwar al-Jama'e for the news of Imams al-Atahar, peace be upon them" Beirut, publisher: Dar Ihiya al-Trath al-Arabi, second edition.
30. Mohammadi Rishahri, Mohammad (1389): "Mizan al-Hikma", translated by Hamid Reza Sheikhi, Qom, publisher of Dar Al-Hadith Scientific and Cultural Institute. Second edition.
31. Makarem Shirazi, Nasser (1994): "Example Interpretation", Tehran, Publisher: Dar Al-Kuttab Al-Islamiyya, First Edition
32. Mousavi, Seyyed Naqi (1993): "Article on the Ideological Education of Children from the Perspective of Jurisprudence", Fiqh Magazine, No. 76
33. Mawlavi Mahmoud Abdi based on the official website of the Anwar Al-Uloom Seminary in Khairabad